

Imaging the Conversations of Hazrat Shoaib with His Audience in the Quran based on the Theory of Sayyid Qutb

Mandegar

Keykhosravi 

M.A. in Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Hassan Majidi *

Associate Professor of Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Abstract


Visual expression is one of the features of the text of the Qur'an and its verses are covered with literary images, and this image is a sign of the simplicity and comprehensibility of the expression of the Qur'an. Sayyid Qutb, a contemporary Egyptian writer, chose the image as the best means of interpretation, and in the form of his theory of artistic imagery, he believes that the Holy Qur'an has made the best use of the rule of an image in expressing its purposes. Based on this, the present study tries to study the structural features of the verses containing the conversations of Hazrat Shoaib with the audience, using the descriptive-analytical method and using library resources based on the principles and components of illustration of Seyyed Qutb's theory. Examining their discovery and appearance in the artistic illustration of Quranic verses in order to explain the beautiful aspects of the miracle of the Holy Quran more than before. The most important findings of the research indicate the fact that in these verses, examples of these components can be found based on Seyyed Qutb's theory, such as the element of phonetic structure, emotion, religious thought, reality, language style, repetition, adaptation, visualization, recognition, movement, dialogue, etc. He found that by creating sensory and imaginative images that are full of movement and dynamics, he transmits thoughts and meanings to the reader in a sensory way, in order to stabilize the meanings.


Keywords: Illustration, Conversations of Hazrat Shoaib, Quran, Seyed Qutb.

* Corresponding Author: h.majidi@hsu.ac.ir

How to Cite: Keykhosravi, M., Majidi, H. (2021). Imaging the Conversations of Hazrat Shoaib with His Audience in the Quran based on the Theory of Sayyid Qutb, *Journal of Seraje Monir*, 12(43), 97-121.

تصویرپردازی در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در قرآن بر اساس نظریه سید قطب

ماندگار کیخسروی  کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

حسن مجیدی  * دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

چکیده

بیان بصری یکی از ویژگی‌های متن قرآن است و آیات آن از تصویرهای ادبی پوشیده شده است و همین تصویری بودن نشانی از وجوه سادگی و قابل فهم بودن بیان قرآن است. سید قطب، ادیب معاصر مصری، بهترین وسیله تعبیر، تصویر را برگزید و در قالب نظریه تصویرپردازی هنری، معتقد است که قرآن کریم در بیان اغراض، به بهترین وجه از قاعده تصویر بهره برده است. بر این مبنای پژوهش حاضر سعی دارد بر اساس مبانی و مؤلفه‌های تصویرپردازی نظریه سید قطب به بررسی ویژگی‌های ساختاری آیات دربردارنده گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان، پردازد و مؤلفه‌ها را کشف و نمود آن‌ها را در تصویرپردازی هنری آیات قرآن بررسی نماید تا جنبه‌های زیبایی اعجاز قرآن کریم بیش‌ازپیش تبیین گردد. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، بیانگر این حقیقت است که در این آیات می‌توان نمونه‌هایی از این مؤلفه‌ها بر اساس نظریه سید قطب مانند عنصر ساختار آوایی، عاطفه، اندیشه دینی، واقعیت، اسلوب زبان، تکرار، تطابق، تجسیم، تشخیص، حرکت، گفتگو و... را یافت که با ایجاد تصاویری حسی و خیال‌انگیز که سرشار از حرکت و پویایی هستند، افکار و معانی را به صورت حسی به خواننده، جهت تثبیت معانی منتقل می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تصویرپردازی، گفتگوهای حضرت شعیب، قرآن، سید قطب.

بیان مسئله

از آنجا که نزول قرآن، دارای نوآوری‌های صوری و معنایی است با بررسی آن، می‌توان زیبایی‌های قرآنی را کشف و ذوق مخاطب را برای فهم هر چه بیشتر قرآن تقویت کرد. در زمینه بررسی و کشف تصویرپردازی در قرآن، فرهیختگان پژوهش‌های مختلفی را انجام داده‌اند ولی «محققان علوم قرآنی در این باره هیچ تردیدی ندارند که پردازنده اصلی نظریه آفرینش هنری (التصویر الفنی) سید قطب، مفسر قرآن و ادب پژوه و ناقد مشهور مصری است، کسی که مکتبی تحت همین عنوان به منظور پژوهش‌های ادبی در قرآن کریم، از آیات قرآنی کشف و به جامعه قرآنی و ادبی تحت عنوان مکتب نوین قرآنی (مکتبه القرآن الجدیة) معرفی کرد» (انصاری، بی تا: ۴۹)؛ بنابراین از آنجا که سید قطب اولین ناقدی است که تصویرپردازی هنری را در قرآن به بهترین شکل مورد بررسی قرار داده، بررسی تصویرپردازی در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) بر اساس نظریه ایشان قرار داده شده است. نگارندگان در این پژوهش، پس از تبیین مفهوم تصویرسازی ذهنی، به بیان اقسام تصویر آفرینی و به تحلیل جلوه‌هایی از این هنر زیبا بر اساس نظریه سید قطب، در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در قرآن پرداخته است.

این پژوهش به دنبال ارائه پاسخ به سؤال این است: کارکرد نظریه سید قطب و مؤلفه‌های آن در بیان تصویر هنری گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در آیات قرآن به چه صورت و از چه عناصری بیشتر استفاده شده است؟

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی بوده و در این جستار نگارنده سعی دارد تا به کمک روش زیبایی‌شناسی تحلیل گفتمان و بر اساس مبانی و مؤلفه‌های تصویرپردازی سید قطب، تصاویر موجود در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در قرآن را کشف و بررسی کند. تحلیل گفتمان زبان را به منزله شکلی از کارکرد اجتماعی، بررسی و بر نحوه بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی با متن و گفتگو تأکید می‌کند. در این دیدگاه، نحوه صحبت کردن ما منعکس‌کننده جهانمان، هویت‌هایمان و روابط اجتماعی مان به طور خنثی نیست، بلکه نقاش فعالی در خلق و تغییر آن دارد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۳۶).

پیشینه پژوهش

عبد القاهر جرجانی (۴۷۱ق) در کتاب دلائل الاعجاز تناسب معنایی قرآن را بررسی و به ارتباط تصویر با ساخت پرداخته و کتاب اسرارالبلاغه خود را به سخن در باب مؤلفه‌های شکل‌گیری تصویر، اختصاص داده است. به نظر او تصویر دارای مؤلفه‌های متعدد است و بر گونه‌های بیانی معروف مثل تشبیه، تمثیل، استعاره و تقدیم، تأخیر، قصر و... مبتنی است. زمخشری (۵۳۸ق) در تفسیر کشاف در باب تصویر و تمثیل سخن گفته است. تلاش وی در زمینه تحلیل تصاویر قرآنی معطوف به جنبه دیداری آن بوده و بلاغت قرآن را با سبک تصویری آن در انتقال معانی حقیقی و خیالی مرتبط دانسته است. پس از آن در کشورهای عربی پژوهش‌های مختلفی در زمینه تصویر صورت گرفته که می‌توان از پژوهشگرانی همچون عبدالکریم خطیب، محمد احمد خلف الله و سید عبدالحافظ عبد ربه نام برد.

پژوهشگران معاصر نیز در پژوهش‌هایی که در ارتباط با اعجاز قرآن انجام داده‌اند: عبدالسلام احمد الراغب (۲۰۰۱ م) در کتاب «الصوره الفنيه في القرآن الكريم» در حلب پارامترهای تشکیل دهنده تصویر قرآنی را در شش مورد خلاصه کرده است: (ایده و مضمون، واقعیت، خیال، احساس، زبان، موسیقی و آهنگ). محمد قطب عبدالعال، یکی دیگر از پژوهشگران حوزه زیبایی‌شناسی قرآن است، وی درباره تصویرپردازی هنری می‌گوید: «زیبایی تصویرپردازی هنری از به هم پیوستن ملکات ذهنی و حسی و ایجاد کردن ارتباط میان چیزهای هم‌جنس یا متناقض حاصل می‌شود، به نحوی که وجدان اخلاقی و مفاهیم فکری را برانگیزاند». به این ترتیب است که تصویر بیانی می‌تواند حقایق اشیاء را با تمام زیبایی‌های محتوایی و لفظی خود منعکس کند (عبدالعال، ۲۰۰۶: ۵). سید قطب، یکی از پژوهشگران معاصر، نخستین کسی است که به صورت خاص تصویر هنری را در قرآن مورد بررسی قرارداد او در سال ۱۹۳۹ مقاله «التصوير الفنى فى القرآن» را در مجله المقتطف و در سال ۱۹۴۵ اثری جامع با عنوان «التصوير الفنى فى القرآن الكريم» را منتشر نمود. سال‌ها بعد در سال ۱۹۴۵ اثری جامع با عنوان «التصوير الفنى فى القرآن الكريم» را عرضه نمود. این اثر او چنان مورد توجه قرار گرفت که بسیاری از ناقدان در

تصویرپردازی در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در...؛ کیخسروی و مجیدی | ۱۰۱

مجلات و روزنامه‌ها زبان به مدح سید قطب و اثر بدیع او گشودند. ابوالفضل حری (۱۳۸۵) در «قرآن به منزله اثری ادبی» در فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز شماره ۱۹ به تصویر، تصویرپردازی و انسجام ساختاری متن در سوره «والعادیات» پرداخته و برخی روابط ساختاری بین آیات را بیان نموده و مشخص ساخته که میان بخش‌های سوره به لحاظ مضمون و شکل رابطه، ساختاری منسجم وجود دارد. حمید محمدقاسمی (۱۳۸۶) کتاب «جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در قرآن» را منتشر ساخت. در این نوشتار، تلاش شده است به هنر خارق‌العاده قرآن در تجسم بخشیدن مفاهیم، صحنه‌پردازی قرآنی و خلق تصاویری زنده و بدیع پردازد. مقاله «تطبیق مؤلفه‌ها و انواع تصویر هنری، در سوره نبأ» در مجله پژوهش‌های اسلامی به قلم سید حسن سیدی (۱۳۸۷) با موضوع تصویر هنری در قرآن انتشار یافت که مفهوم تصویر و مؤلفه‌های آن را در قرآن بررسی و نمونه‌هایی از تصاویر قرآن را بیان نموده است. سید محسن علوی‌نژاد (۱۳۸۸) در مقاله «زیباشناسی تصویری قرآن به روایت سید قطب» به اندیشه‌های این اندیشمند معاصر، در مورد تصویر قرآنی پرداخته است. وی معتقد است، تصویرگری در قرآن از لحاظ زیباشناختی و تعامل مفاهیم و تصاویر در آخرین حد کمال می‌باشد. کتاب «فی ظلال القرآن» نیز اثر دیگری از سیدقطب است (۱۳۸۹ ش) که در آن همه عناصر مطرح شده در این جستار، مورد بررسی قرار گرفته اما در همه آیات این عناصر به طور کامل بررسی نشده است. با وجود اینکه پژوهش‌های ارزشمندی در زمینه تصویرپردازی در قرآن صورت گرفته است ولی پژوهشی مستقل در زمینه تصویرپردازی در آیاتی که در بردارنده گفتگوهای حضرت شعیب با مخاطب بشری باشد، انجام نشده است.

۱. تعریف اصطلاح و بیان موجز عناصر اصلی تصویرپردازی هنری

بررسی دقیق‌تر موضوع می‌طلبد در آغاز منظور از واژه «تصویر» را تبیین نماییم:

تصویر یا ایماژ "Image" یکی از پرکاربردترین اصطلاحات نقد ادبی است. تصویر

در زبان انگلیسی "Image" و در زبان عربی «الصورة الفنية» و «الصورة الأدبية» است.

تصویر با خیال ارتباط تنگاتنگی داشته و برخی تصویر و خیال را یکی می‌دانند.

«تصویر زاییده واژه‌ای که از آن مشتق شده، است؛ یعنی واژه «Magination» به معنای ملکه تخیل و تصویر» (الصباغ، ۱۹۸۳: ۴۹۸) اما در اصطلاح ادبی، تصویر (ایماژ) عکس و تابلویی است که از کلمات تشکیل شده و شیوه‌ای دقیق و لطیف در توصیف حقایق است. در ساده‌ترین توصیف، عبارت است از تعبیر از حالت چیزی با جزئیات یا جلوه‌های محسوس آن که در احساس و خیال مخاطب، صورتی مجسم و زنده از معنا را القا می‌کند. محمد البطل نویسنده و مترجم مصری تصویر را «یک گروه زبانی متشکل از الفاظ، معانی، عقل، عاطفه و خیال می‌داند» (البطل، ۱۹۸۱: ۳).

گاهی یک واژه و نه یک عبارت کامل به‌عنوان یک عنصر مستقل تصویری بارز را ترسیم می‌کند و این گامی دیگر در هماهنگی هنری است؛ به عبارت دیگر «واژه گاهی خود به تنهایی تصویر رسم می‌کند، گاهی با موسیقی و آهنگش، گاهی با سایه‌ای که در خیال می‌گسترده و گاهی با هر دوی این ویژگی‌ها» (قطب، ۱۴۱۳: ۹۱).

۲. بررسی تصویرپردازی در گفتگوهای حضرت شعیب (ع) با مخاطبان

عناصر تصویرپردازی به دو صورت اصلی و فرعی می‌باشند: عناصر اصلی چون تخیل جسمی، تجسیم، تشخیص، هماهنگی هنری و تقابل و عناصر فرعی از قبیل رنگ، حرکت، موسیقی و آژگان، فضا، خیال که در صحنه‌های گفتگو به کار گرفته شده است و طبق کارکرد زیبایی‌شناختی به بیان میزان تأثیرگذاری عناصر تصویرپردازی در انتقال معنا و مفاهیم به مخاطب می‌پردازد، به عبارتی دیگر، تصویرپردازی یک متن با عناصر موجود قدرت تجسمی ویژه‌ای را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و قوه تخیل او را پرورش داده و با توصیف جزئی صحنه‌ها با قدرت خلاقیت مخاطب همراه می‌شود و تصاویر ایجاد شده می‌تواند حسی مثبت یا منفی در ذهن ایجاد کند.

تصاویر ادبی با فیلم، عکس، نقاشی و سینما تفاوت دارد. ماهیت این‌ها، تصاویر عینی است که آمیزه‌ای از نور، رنگ و حرکت است و آنچه را که هنرمند خود تخیل می‌کند بر سطح بوم و نقاشی و... نقش می‌زند ولی تصاویر ادبی بر اساس تخیل هنرمند شکل می‌گیرد اما آن‌ها همیشه درونی و ذهنی هستند و در جایی ثبت نمی‌شوند و این ذهن خواننده است

تصویرپردازی در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در...؛ کیخسروی و مجیدی | ۱۰۳

که آن‌ها را دریافت می‌کند. در تصاویر ادبی به‌جای رنگ و قلم از الفاظ و عبارات استفاده می‌شود و رابطه بین الفاظ یک رابطه تصویری است و تصاویر ذهنی دائم در حال حرکت و تغییرند و قدرت تجسم را در ذهن انسان ایجاد می‌کند و در قوه خیال، انسان پرورش می‌یابد. گاهی الفاظ چنان نقشی را ایفا می‌کند که انسان در مواجهه با آن گویی صحنه‌هایی زنده را مشاهده می‌کند و او این هنر را می‌توان در قرآن سراغ گرفت و خداوند آن را برای تفهیم معارف به انسان ارزانی داشته است و هدف ایجاد درکی عمیق‌تر حبه‌تر از پیام‌های قرآنی می‌باشد.

با توجه به فزونی گفتگوهای قرآن و اهمیت تصویرسازی می‌توان تصویرپردازی‌های مبتنی بر تخیل موجود در این گفتگوها و تأثیرات این تصویرسازی‌ها را بر بازسازی ذهن و احساس مخاطب مورد بررسی و کنکاش قرارداد.

۱-۲. گفتگوی حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در سوره هود آیات (۹۳ - ۸۴)

خداوند پس از حضرت لوط(ع) حضرت شعیب(ع) را به سوی روستای مدین که در مسیر شام واقع شده بود، مبعوث کرد. آن قوم گرفتار کم‌فروشی و شرک و گناهان دیگر بودند. حضرت شعیب(ع) همواره آنان را با تبشیر و انذار و داستان‌های اقوام پیشین هدایت می‌فرمود و آنان را به توحید و کیل و وزن عادلانه دعوت می‌کرد. در مقابل قوم او، حضرت را ضعیف می‌انگاشتند و او را به سنگسار تهدید می‌کردند. آنان آزار و اذیت را به حدی رساندند که حتی مانع ایمان آوردن مردمان دیگر می‌شدند، لیکن پس از حلم و صبر الهی عذاب بر آنان نازل شد و صیحه آسمانی آنان را از پای درآورد، گویی که هرگز حیاتی نداشتند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۰۳).

۱-۱-۲. ساختار آوایی

۱- در آیه ۸۴ عبارت «وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ» کلمه «مُحِيطٍ» برای توصیف روز قیامت بکار رفته است. حرف «م» در این کلمه بر شدت دلالت دارد و از ویژگی امتداد برخوردار است و یکی از خصوصیات آن، تجمع است و وجود حرفمیم در این کلمه بر

شدت معنای آن می‌افزاید و تصویری از همه‌گیری، امتداد و تجمیع عذاب روز قیامت را می‌رساند و وجود حرف «ط» که بر شدت و خشونت دلالت می‌کند به صفت عذاب روز قیامت شدت می‌بخشد و صدای کشیده «یا» که دارای صفت امتداد و استعلاء است اوج و امتداد این عذاب را به تصویر می‌کشد و این واژه به‌تنهایی تمام صفات قیامت را که غرض تصویر است به نمایش می‌گذارد.

۲. کلمه «اخاف» از «خوف» آمده است که جنبه مثبت دارد «چراکه خوف گاهی مولود واقع‌بینی و هوشیاری نسبت به خطرها است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۸۹). وجود حرف «خ» دارای صفت شدت است و با توجه به اینکه با الف مدی همراه شده است صفت تفخیم می‌گیرد، بنابراین وجود این حرف نشان‌دهنده اوج و شدت نگرانی و ترس حضرت شعیب از روز معاد است. در مقابل اگر این ترس و نگرانی نوح را با فعلی از ریشه «جبن» جایگزین می‌کرد از آنجایی که جبن فقط ترس منفی و ناپسند است و ناشی از خودکم‌بینی است (همان) نمی‌توانست واقع‌بینی و هوشیاری و نگرانی حضرت را نسبت به عذاب روز قیامت به تصویر بکشد و به مخاطب انتقال بدهد.

۳. در آیه ۸۵ «وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» فعل «وَلَا تَعْتَوْا» به معنای تباهی و فساد نکند که در سخن حضرت شعیب (ع) خطاب به قومش آمده است. با توجه به وجود حرف «ع» که دارای ویژگی وضوح و ظهور است (حسن، ۱۹۹۸: ۲۲۷) این فعل دلالت بر وضوح و آشکاری رفتارهایی دارد که این قوم انجام دادند درحالی که اگر از واژه «لَا تُفْسِدُوا» استفاده می‌شد، وضوح و آشکار بودن رفتارهای این قوم به تصویر کشیده نمی‌شد.

۴. در آیه ۸۷ قوم شعیب در پاسخ به حضرت، زمانی که فرمود: «تقوا پیشه کنید» عبارت «مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا» را گفتند، یعنی تو می‌خواهی که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم، آن‌ها در سخنان خود از واژه پدرانمان با سه صدای کشیده و دو مد استفاده کردند. با توجه به اینکه «صدای کشیده و مد دارای صفت استعلاء، امتداد و تفخیم و مبالغه است و الف مدی امتداد را بر معنای واژه می‌افزاید» (عباس، ۱۹۹۸: ۹۷) لذا از این کلمه استفاده کردند تا عظمت و استعلاء پدران خود را که برای مدت‌زمان طولانی بت‌پرست بودند را به

تصویر بکشند.

۵. در آیه ۸۹ «وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي» حضرت شعیب در خطاب به قوم می‌گوید: (ای قوم دشمنی با من شما را به کاری وادار نسازد که... تکرار حرف قاف در کلمه «شِقَاقِي» با توجه به اینکه از حروف انفجاری است و دارای شدت است و بر ایجاد ترس دلالت می‌کند تصویرگر این صحنه است که مبادا این قوم به خاطر دشمنی با شخص پیامبر دست به رفتارهای هولناکی بزنند که سرنوشت خود و سعادت جامعه خود را از بین ببرند و حرف مشدد در «يَجْرِمَنَّكُمْ» این مفهوم را تقویت می‌کند و «حرف «ج» نیز که از حروف شدت‌دار است» (ابوزید، ۱۹۹۲: ۲۹۰) و موسیقی سخت و شدیدی به واژه می‌دهد، لذا این کلمه شدت نگرانی شعیب از رفتار قومش را به تصویر می‌کشد.

۶. در آیه ۹۲ «إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» کلمه «محیط» در این آیه بیانگر احاطه کامل خداوند بر اعمال بندگان است و حرف «م» از ویژگی امتداد برخوردار است و یکی از خصوصیات آن تجمیع است و وجودش در این کلمه بر شدت معنای آن می‌افزاید و تصویری از همه‌گیری و تجمیع کسانی دارد که خداوند به آن‌ها احاطه دارد و وجود حرف «ط» نیز به این مفهوم شدت می‌بخشد به‌طور کل این کلمه، تصویری از احاطه کامل خداوند بر همه بندگان را به نمایش گذاشته است.

۲-۱-۲. مؤلفه عاطفه

میزان تأثیرگذاری تصویر در خواننده، با میزان برانگیختگی عواطف او، رابطه مستقیمی دارد و تصویر در قرآن با برانگیختن عواطف، در تأثیر بر مخاطب در اوج قرار دارد؛ زیرا هم بر احساسات دینی و هم بر شعور انسانی تأثیرگذار است.

۱. عبارت «یا قوم» چندین بار در این آیات از زبان شعیب(ع) گفته شده است که نشان‌دهنده این است که نوح در تبلیغ دین، مردم را با محبت مورد خطاب قرار داده است که برخاسته از علاقه شعیب به قومش است.

۲. در آیه ۸۴ عبارت «وَالِئِي مَدِينِ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا» واژه اخاهم در این آیه در مورد حضرت شعیب(ع) که برای این قوم برگزیده شده است. تصویری کاملاً عاطفی را ترسیم می‌کند و

رابطه عاطفی بین شعیب و قومش را برای مخاطب به نمایش می‌گذارد. خداوند متعال در این داستان رابطه حضرت شعیب و قومش را رابطه‌ای برادرانه بیان می‌نماید و اینکه شعیب برادر مردم مدین خوانده شده یا اشاره به رابطه خویشی وی با مردم مدین دارد و یا حکایت از آن دارد که او حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز برای قوم خویش بوده است. پس در این آیات شعیب، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم مدین معرفی شده است و توصیفگر این مطلب است که اخلاق و رفتار انبیا با مردم برادرانه است و از افکار، آداب، نقاط ضعف و قوت آنان آگاه است و بر حسب وظیفه برادری خود درصدد ارشاد دیگران برمی‌آید و به مخاطب نشان می‌دهد که پیامبران از بین قوم خویش انتخاب شدند و رابطه آنها با قوم کاملاً برادرانه و بر اساس محبت بوده و در تبلیغ دین از عواطف کمک گرفته‌اند و مخالفت‌های قوم بعد از بیان رسالت ایشان بوده است.

۳. در آیه ۸۷، «در حقیقت آنان در ابتدا و انتهای سخن، استهزا و سخره را بر چرخ کلام خود می‌رانند. به نحوی که در آغاز، نماز پیامبر را به سخره می‌گیرند و عنوان می‌کنند که نمازت تو را به این اوامر و نواهی سوق داده که پرستش خدایان پدران خود را ترک و از اموالمان به نوعی دیگر بهره ببریم. در انتها نیز با جمله تهکمی «أَنْتَ الْهَلِيمُ الرَّشِيدُ» بر طبل بی‌حرمتی می‌کوبند و پیامبر را تلویحاً فرد ناآگاه می‌خوانند» (خزعلی و بهبهانی زاده، ۱۳۹۷: ۲۴)

۴. آیه ۹۱ «قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْ أَنَّهُ لَرَجِمْنَاكَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ» این آیه سراسر تهدید و توهین و عبارت‌هایی آمیخته با توهین و تحقیر که کفار خطاب به شعیب به کار برده‌اند، است. آنچه در این آیه به عنوان غرض از تصویر به حساب می‌آید یکی، شدت جسارت و بی‌ادبی قوم است که با عباراتی چون «تو را شخص ضعیفی می‌بینیم، تو را سنگسار می‌کنیم و...» و دیگری سعه صدر و صبوری شعیب در برابر قومش است که با بهره‌گیری از اسلوب عاطفه آن را برای مخاطب به تصویر کشیده است.

۵. در آیه ۹۳ «وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ

تصویرپردازی در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در...؛ کیخسروی و مجیدی | ۱۰۷

وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَاَرْتَقِبُوا اِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ۹۳» سخنان شعیب است که تصویری از یأس و ناامیدی او را به مخاطب نشان می‌دهد، زمانی که قوم شعیب بعد از هدایت‌های زیاد پیامبرشان، حاضر به پذیرش سخنانش نشدند، شعیب از عملکرد آن‌ها ناامید شد و با این عبارات تصویر خشم و ناامیدی خود را برای مخاطب به نمایش گذاشت و آن‌ها را به حال خود واگذار نمود و عبارت «اِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ» تصویرگر امیدواری شعیب به امدادهای الهی است که با وجود اینکه به وظیفه خود عمل کرده در انتظار امدادهای الهی بوده و به آن‌ها امید بسته است.

۲-۱-۳. مؤلفه واقعیت

واقعیت، گاهی حوادثی هستند که به وقوع پیوسته‌اند و گاهی قصه‌اند، در هر دو صورت تصاویر قرآنی ترکیبی از حقیقت و هنر است.

۱. در آیه «وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي اَنْ يَصِيْبَكُمْ مِثْلُ مَا اَصَابَ قَوْمَ نُوْحٍ اَوْ قَوْمَ هُوْدٍ اَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمٌ لُوْطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيْدٍ» حضرت شعیب در سخن با مخالفان خود برای تأثیرگذاری بیشتر و هدایت آن‌ها از بیان واقعیت‌ها استفاده کرده و سرنوشت تلخ اقوام قبل از خود همانند نوح، صالح، لوط و هود را برایشان بازگو کرده است. با توجه به اینکه تاریخ اقوام بشری، به یکدیگر شباهت و پیوند دارد و بازگو کردن آن، درس عبرت است تا سرنوشت تلخ پیشینیان ساده، شوخی، موسمی، موضعی، فردی و تصادفی گرفته نشود، این سخنان را گفته است تا تصویری از قهر و عذاب الهی و قدرت خدا برای مبتلا کردن اقوام مختلف به قهر خود، به نمایش بگذارد و باعث هدایت آن‌ها شود و غرض از این تصویر این است تا به کمک واقعیت‌ها به مخاطب نشان بدهد که دست خدا برای قهر و عذاب باز است و او هر قومی را به هر شکل و در هر منطقه و در هر زمانی که بخواهد می‌تواند هلاک کند، همان‌طور که قوم حضرت نوح علیه‌السلام را با غرق کردن، قوم حضرت هود را با طوفان، قوم حضرت صالح علیه‌السلام را با صیحه آسمانی و قوم حضرت لوط علیه‌السلام را با ویرانی به قهر خود مبتلا نمود. «واضح است که خداوند از این نقل قول هدف والایی را دنبال نموده و صرف بیان داستان و آگاهی مخاطب به مضمون آن نیست و به دنبال عبرت

گیری در مخاطب و آگاه ساختن او جهت در امان ماندن از هلاکت است» (دل افکار و دیگران، ۱۳۹۳: ۵) و مخاطب با شنیدن آن دچار ترس و اضطراب می‌گردد.

۲. آیه ۸۵ «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» تصویری از وجود رفتارهایی دال بر وجود بیماری کم‌فروشی و وجود فساد اقتصادی رایج در میان آن قوم را به تصویر کشیده است و به مخاطب نشان می‌دهد که این مشکل، به‌عنوان واقعیتهای آشکار در بین این مردم بوده است و حضرت شعیب (ع) تمام تلاش خود را برای آگاه‌سازی این مردم، از این واقعیت انجام داد؛ چراکه کم‌فروشی همچون گناهان اقوام گذشته همچون کشتن ناقه و تمسخر پیامبر و رفت‌وآمد و اعمال مفسده نیز از تحرک بالایی برخوردار است چراکه در نتیجه کم‌فروشی، عده‌ای فقیر و عده‌ای دیگر غنی می‌شوند و همین تضاد طبقاتی زیربنای گناهان بسیار در جامعه خواهد بود. گناهی که همواره با حرکت و تکاپو مقرون می‌شوند. «شاید کم‌فروشی به نظر گناهی پنهانی آید ولی آثار و تبعات بسیار زیاد را به دنبال خواهد داشت. خداوند نیز در نتیجه این عمل مخفی و پنهان، همچون اقوام گذشته، عذاب‌هایی چون سیل، طوفان و بارانی از سنگ فرو نرستاد، بلکه به یک آن و با صیحه‌ای آسمانی همه را به هلاکت رساند و آنان را غافلگیر کرد» (خزعلی و بهبهانی، ۱۳۹۷: ۲۳).

۴-۱-۲. مؤلفه اندیشه دینی

مهم‌ترین مؤلفه تصویر قرآنی، اندیشه دینی است. قرآن از تصویر هنری به‌منزله ابزاری برای بیان اهداف دینی استفاده می‌کند و هدف، ساختن انسان از جنبه‌های مختلف فکری، عقلی، احساسی و رفتاری است، لذا تصویر قرآنی، یک تصویر هدفمند و دارای نگرش اسلامی است.

۱. در آیه ۸۴ عبارت «اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» دعوت به توحید و یکتاپرستی نشان داده شده است و نمایشگر این تصویر است که اولین وظیفه انبیاء هدایت مردم به سوی مسئله اصلی که پرستش خداوند است می‌باشد و در ادامه با دعوت از مردم می‌خواهد که پیمان‌ه و ترازو را کم نگذارند. در این آیه غرض از تصویر بیان اندیشه‌های دینی است و این مفهوم

تصویرپردازی در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در...؛ کیخسروی و مجیدی | ۱۰۹

را به تصویر می‌کشد که پیامبران تنها به مسائل اعتقادی و اخلاقی توجه ندارند بلکه به امور اقتصادی و عوامل فساد در جامعه نیز می‌پردازد و در عبارت «وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ» به اصل معاد اشاره دارد و عبارت «عذابِ یومِ محیطِ» نشان از روزی بزرگ دارد که مراد همان قیامت و معاد است، به‌طور کلی توجه دادن به مبدأ و معاد، سرلوحه دعوت همه انبیا علیهم‌السلام بوده است «اعْبُدُوا اللَّهَ ... أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ».

۲. در آیه ۸۵ «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِدِينَ» سخنان حضرت شعیب در راستای دعوت از مردم برای انجام دادن کارهایی چون برقراری عدالت و قسط، دقت در وزن و پرهیز از کم‌فروشی می‌باشد که همه این سخنان تصویری از اندیشه‌های دینی حضرت شعیب را می‌رساند که همه آنها برای تحقق هدف اصلی وی که از بین بردن فساد در اقتصاد جامعه است، می‌باشد.

۲-۱-۵. مؤلفه اسلوب زبان

در قرآن کریم واژگان، با دارا بودن سبک ادبی برجسته، زنده و پویا عمل می‌کند (فاضلی، ۱۳۶۵: ۳۷۳).

۱. در آیه ۸۷ «أَنْتَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ» دو صفت «حَلِيمٌ» و «رَشِيدٌ» برای شعیب آمده که با توجه به اینکه «وزن فعلیل دلالت بر ثبوت وصف در کلمه است» (سامرای، ۱۴۲۸: ۵۰) و این ویژگی‌ها بر وزن فعلیل آمده است تصویری از شخصیت شعیب را برای مخاطب مجسم می‌کند که صفت بردباری و فهیم بودن وی از صفات ثابت شخصیت شعیب می‌باشد و این مفهوم را به نمایش می‌گذارد که شعیب، علاوه بر اینکه در بین طرفداران خود به نیکی یاد می‌شده است، مخالفان نیز بر نیکی او اذعان داشته‌اند.

۲. در آیه ۹۰ «إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ» حضرت شعیب در توصیف خدایش، از دو واژه «رَحِيمٌ» و «وَدُودٌ» استفاده کرده است. «کلمه «وَدُودٌ» از «وَدَّ» به آن دوستی‌ای گفته می‌شود که دارای آثار بوده و استمرار داشته باشد» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۳۷۴) و تصویری از دوستی عمیق و مستمر خداوند نسبت به بندگانش را می‌رساند و کلمه رحیم بر وزن فعلیل دلالت بر ثبوت این صفت در ذات باری تعالی دارد و چون صیغه مبالغه است این تصویر را با استفاده

از اسلوب زبان برای مخاطب ترسیم می‌کند که رحمت خداوند لحظه‌ای نیست بلکه استمرار دارد و آثار و برکات زیاد آن شامل همه بندگان می‌شود.

۶-۱-۲. مؤلفه تشخیص

در تعابیر مصور قرآنی، جلوه‌های زیبایی از بخشیدن حیات به جمادات را می‌توان مشاهده کرد به گونه‌ای که تمامی پدیده‌ها و مظاهر هستی را در برابر خود به صورت موجوداتی زنده می‌بینیم که همچون انسان از شعور و احساس برخوردارند.

در آیه ۸۷ در عبارت «قَالُوا يَا شَعِيبُ أَصَلَّا تَكُ تَأْمُرُكَ» از شاخصه تشخیص استفاده شده و با گفتن عبارت (آیا نمازت به تو فرمان داده...) با بکارگیری مؤلفه تشخیص نماز شعیب را چون انسانی تصور نموده که او را امر و نهی می‌کند و با بهره‌گیری از اسلوب تشخیص، غرض تصویر را که دین‌داری و ایمان شعیب است به تصویر می‌کشد.

۲-۱-۷. مؤلفه تکرار

تکرار صرفاً تکرار یک کلمه نیست؛ بلکه «تکرار در قرآن دارای سطوح مختلفی همچون تکرار واژگان، عبارات و آیات است. آوردن بخش‌هایی از یک داستان با الفاظ و ترکیب‌های یکسان یا نزدیک به هم نیز، پس از بررسی و دقت نظر فصاحت و بلاغت قرآن را نشان می‌دهد» (حسینی، ۱۳۷۷: ۵۲-۵۳).

در آیه ۹۰ «وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ» کلمه «رَبِّ» دو بار به صورت «رَبِّكُمْ» و «رَبِّي» تکرار شده است حضرت از قومش خواسته است که از پروردگارش طلب آمرزش کنند و در پایان فرموده است پروردگار من مهربان است؛ این تکرار برای تاکید بر این مفهوم است که خدای شما و خدای من یکی است و غرض از تصویر در این آیه اثبات یگانگی خدا است که به کمک مؤلفه تکرار به تصویر کشیده شده است.

۸-۱-۲. مؤلفه حرکت

حرکت از جمله عناصر تصویرپردازی است که نشانهٔ یک موجود زنده و نشانهٔ وجود روح است که در پویایی و زنده کردن تصاویر، بسیار مؤثر است و موجب جلوه‌گری بیشتر تصاویر می‌شود، چراکه تمامی دنیا بر پایهٔ حرکت و جنب‌وجوش است.

در آیه ۸۷ عبارت «أَوْ أَنْ نَفْعَلُ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ» وجود فعل «نَفْعَلُ» در این آیه از افعال حرکتی به شمار می‌رود و از شاخصی چون «نَفْعَلُ» فهمیده می‌شود که در واقع سخنان پیامبر را مورد توجه قرار نداده‌اند و برای کم‌فروشی خود دلیلی می‌آورند، به طوری که ادعا دارند از آنجایی که این اموال از آن ماست پس کسی نمی‌تواند، چگونگی بهره‌برداری از آنها را به ما آموزش دهد و در این باره امرونهی صادر کند و ما هر کاری که بخواهیم انجام می‌دهیم و این انجام دادن کارها، با حرکت همراه است.

«به نظر می‌آید (أَنْ نَفْعَلُ) به (مَا يَعْْبُدُ) عطف شده است و خواننده در مقابل خود افرادی را می‌بیند که بنا بر دلخواه، هر آنچه را می‌خواهند انجام می‌دهند، مثلاً آنها عقاید خرافی پدران خود را عبادت می‌کنند و برای بهره‌برداری از اموالشان تابع هیچ‌گونه عدالت و قانونی نیستند و هر کاری را که برخاسته از پیشینیان و افکار و عقایدشان است انجام می‌دهند و در این حین تیر کمان استهزای خود را به سمت پیامبر نشانه گرفته‌اند» (خزعلی و بهبهانی‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۴) که همهٔ این اعمالی که انجام می‌دهند مستلزم حرکت است.

۲-۱-۹. مؤلفه زمان

عنصر زمان در متن قصه‌های قرآنی، نقشی زنده و معنادار را ایفا کرده است. هنگام مطالعه عنصر زمان در قرآن، باید چند نکته را مدنظر داشت، مانند: دلالت‌های زمان و حرکت به سوی آینده و...

در آیه ۸۴ «وَأِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ» وجود کلمه «يَوْمٍ» بر زمان خاصی دلالت دارد و با استفاده از مؤلفه زمان و با توجه به صفت محیط که برای «يَوْمٍ» آمده است روز قیامت را برای مخاطب به تصویر کشیده است که دارای عذابی فراگیر است.

۱۰-۱-۲. مؤلفه مکان

«مکان و زمان داستان که گاه از آن به صحنه‌پردازی هم یاد می‌کنند، فضایی است که پس‌زمینه داستان را می‌سازد و به خواننده کمک می‌کند که رفتار اشخاص داستانی و اهمیت کنش آنان را ادراک کند» (حری، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

در آیه «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا» مَدْيَن در این آیه به‌عنوان مکانی که داستان شعیب در آن اتفاق افتاده است معرفی می‌شود «مدین که نام امروزش مَعان و در تورات مدیان است، شهری در مشرق خلیج عقبه است که با کشورهای مصر و لبنان و فلسطین تجارت داشته‌اند. بعضی نیز مدین را نام قبیله‌ای دانسته‌اند که مردم آن در اطراف کوه سینا زندگی می‌کرده‌اند» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۳۶۶-۳۶۷).

۲-۲. گفتگوی حضرت شعیب با مخاطبان در سوره اعراف آیات (۸۵، ۸۸)

(۸۹، ۹۳)

حضرت شعیب به‌سوی اهل مدین جهت هدایت فرستاده شد. رؤسا و گردنکشان قوم او گفتند: ای شعیب ما تو و پیروانت را از شهر خویش بیرون می‌کنیم مگر آنکه به کیش ما برگردید. شعیب گفت: هرگز نشود که ما به آیین شما رجوع کنیم...

۱-۲-۲. مؤلفه ساختار آوایی

در آیه ۹۳ عبارت «وَنصَحْتُ لَكُمْ» سخن شعیب خطاب به قومش است (من برای شما خیرخواهی کردم) کلمه «نصحت» از «نصح» آمده است به کلامی گفته می‌شود که به قصد اصلاح و از روی اخلاص باشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۳۱۲) «وجود حرف نون با توجه به صفت آن که شدت و وضوح است و شدت بیشتری بر دل‌ها دارد و معنای نرمی و آرامش را می‌رساند» (عباس، ۱۹۹۸: ۱۶۰) با مفهوم این کلمه در این آیه کاملاً هماهنگ است؛ زیرا سخن شعیب با توجه به اهدافش کاملاً واضح و آشکار بوده و او در تمام مراحل همراه با نرمی و آرامش و به‌دوراز خشونت و اجبار سخنان خود را بیان کرده است؛ بنابراین این کلمه حکیمانه و شایسته برگزیده شده است که اگر واژه‌های دیگری چون قول و کلام

تصویرپردازی در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در...؛ کیخسروی و مجیدی | ۱۱۳

انتخاب می‌شد قابل تعویض یا مترادف برای تصویرسازی این خیرخواهی شعیب نبود.

۲-۲-۲. مؤلفه عاطفه

۱. در آیه ۸۹ عبارت «قَالَ يَا قَوْمِ» تصویرگر روش تربیتی شعیب است که همراه با عاطفه و محبت است. در واقع خود را از آنها دانسته و خطاب به آنها می‌گوید: از خود شما و متعلق به خود شما هستم و خود را از آنها مجزا و مبرا نمی‌داند، در واقع شعیب با عبارت «یا قوم» درصدد تحریک عواطف آنان بوده تا به این وسیله به آنان تفهیم کند که رسالتش در جهت منافع ایشان بوده است.

۲. در آیه ۹۳ عبارت «وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ» نشان‌دهنده این است که حضرت شعیب در تبیین دین خود صرفاً از یک برنامه خشک برای تفهیم مقررات الهی استفاده نکرده است بلکه در سخنان وی دلسوزی و خیرخواهی دیده می‌شود و با این عبارت اوج عشق و علاقه به هدایت طرفداران خود و قومش را می‌رساند. عبارت (فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ) به مخاطب نشان می‌دهد که قوم حضرت، با وجود دلسوزی فراوان شعیب و تلاش زیاد در ارسال پیام الهی، به اختیار خود از راه حق دوری کردند، پس لزومی ندارد که شعیب به حال آنها تأسف بخورد.

۲-۲-۳. مؤلفه واقعیت

در آیه ۸۸ «قَوْمِهِ لَتُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا» قوم، از روش تهدید استفاده کرده تا مؤمنین را از سرزمینشان بیرون کنند در این آیه غرض از تصویر، نشان دادن روش کفار است که با استفاده از مؤلفه واقعیت، روش غیرمنطقی کفار را برای مخاطب به نمایش می‌گذارد. آن‌ها در برابر روش حضرت شعیب که بر اساس استدلال و منطق بوده و برای هدایت آنها از بینه و معجزه‌ای استفاده کرده است که از جانب خداوند است از روش تهدید و زورگویی استفاده می‌کردند و این روش، واقعیت آن روزگار بوده است که در برابر حق و دعوت پیامبران از روش‌های غیرمنطقی استفاده می‌کردند.

۴-۲-۲. مؤلفه اندیشه دینی

در آیه ۸۹ عبارت «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» بیان کننده این است که توحید و یکتاپرستی، محور دعوت انبیاست که در آیات قبل مفصل بدان پرداخته شد. پس از شرک و انحراف عقیدتی، انحراف‌های اقتصادی مهم‌ترین مسئله قوم حضرت شعیب بوده است. «اعْبُدُوا اللَّهَ ... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ و...» و پاک‌سازی جامعه از انحرافات چون کم‌فروشی، تقلب در معامله، کم‌ارزش جلوه دادن اجناس مردم و ایجاد خلل در اقتصاد، در دستور کار شعیب بوده است. «لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا» و هدفش از اینکه، بر مسائل اقتصادی جامعه نیز نظارت داشته برای سلامت و بهبود زندگی مردم بوده است.

۲-۲-۵. مؤلفه اسلوب زبان

در آیه ۸۹ «رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ» از کلمه «فتح» استفاده شده است که با توجه به اسلوب زبان کلمه «فَتَحَ» در این آیه در معنای غیر اصلی خود بکار رفته است «در این گونه موارد به معنای قضاوت و داوری برای راهگشایی است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۱۹) و آوردن این کلمه در پایان آیه برای به تصویر کشیدن این مفهوم است که سخن آخر را خداوند می‌گوید تا خلاصی از بن‌بست ایجاد شود و راه باز شود.

۲-۲-۶. مؤلفه تکرار

در آیه ۸۹ «قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ» ضمیر «نا» بیش از ۱۰ بار تکرار شده و فعل‌ها همه به صورت جمع آمده است این تکرار برای تاکید بر این موضوع است که شعیب و طرفدارانش از دین و ایمانشان هرگز بر نمی‌گردند و تصویری از صحت دین و ایمان آنها را برای مخاطب به نمایش می‌گذارد و اینکه خدای آنها و اعمال آنها در این آیه مدام تکرار شده است همه برای این است که بر درستی رفتار این جمع تاکید شود و چون یاران شعیب دین را بر اساس استدلال پذیرفته بودند نه بر اساس هوا و هوس، نه تنها خود تصمیم بر

تصویرپردازی در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در...؛ کیخسروی و مجیدی | ۱۱۵

برگشت به سوی شرک و کفر نمی گیرند، بلکه خداوند نیز هرگز دستور برگشت به شرک به آنها نمی دهد و تاکید بر این مفهوم است که عقب گرد و ارتجاع، ممنوع است.

۲-۲-۷. مؤلفه حرکت

۱. در آیه ۸۸ «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَنَعُوذَنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ» عبارت «لَنُخْرِجَنَّكَ» دارای مفهوم تهدید به اخراج طرفداران شعیب از سرزمینشان است. این واژه با استفاده از مؤلفه حرکت این تصویر را برای مخاطب به نمایش گذاشته است که کفار قصد بیرون کردن یاران شعیب را از سرزمینشان داشته اند و استفاده از «نون مشدد» قطعیت و شدت در تصمیم بر اخراج آنها را می رساند

۲. در آیه ۸۹ «وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُوذَ فِيهَا» کلمه «أَنْ نَعُوذَ» دربردارنده حرکت است. غرض از تصویر، در این آیه نشان دادن عدم برگشت شعیب و یارانش از دین خود است که در پاسخ کفاری است که از آنها خواسته بودند؛ از دینشان دست بردارند که با استفاده از فعل حرکتی و مؤلفه حرکت برگشت از دین و ایمان به سوی کفر و شرک را بیان می کند و با این برنگشتن و عدم روی برگرداندن گویی تصویری از اعراض از آنها را نشان می دهد و به آنها می فهماند که ما از روی هوا و هوس و یا تقلید کورکورانه از بت پرستی اعراض نکرده ایم بلکه نادرستی آن برای ما روشن است و توحید و یگانه پرستی را با تمام وجود پذیرفته ایم.

۳. در آیه ۹۳ «فَتَوَلَّى عَنْهُمْ» به معنای روی برگرداندن است. «فعل «تولی» از افعال حرکتی به معنای خم کردن و کج کردن است» (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۶۳) با استفاده از مؤلفه حرکت صحنه ای را ایجاد کرده است تا تخیل را برانگیزد و رفتار شعیب را به تصویر بکشد و حرکت چرخاندن و برگرداندن روی، کاملاً محسوس است، گویی شعیب بعد از سالها موعظه، مدارا، توجه و نصیحت، از قوم خود خسته شده است و از آنها روی برگردانده و در این آیه غرض تصویر نشان دادن مفهوم کنایی روی برگرداندن و اعراض شعیب از قومش می باشد.

۳-۲. گفتگوی حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در سوره شعرا آیات (۱۷۷) -

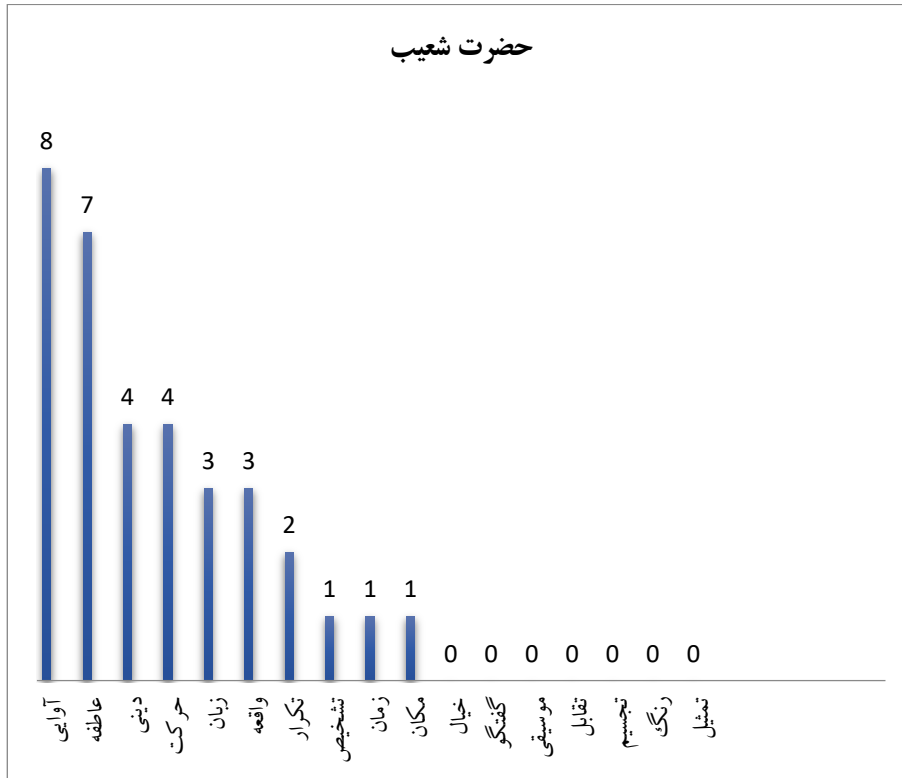
(۱۷۸-۱۷۹)

۳-۲-۱. مؤلفه ساختار آوایی

در آیه ۱۷۸ «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» عبارت «رَسُولٌ أَمِينٌ» آمده است این کلمات سخن حضرت شعیب در معرفی خودش است و گاهی لازم است که انبیاء به بیان کمالات خود پردازند، برای ایجاد تصویر از اسلوب هماهنگی هنری کلام با محتوا استفاده شده است و عبارت «رَسُولٌ أَمِينٌ» امانت‌دار بودن و حسن سابقه و دلسوزی شعیب را برای مردم تشریح می‌کند و متناسب با تصویر کلی آیه است. شعیب این دو صفت را با صدای کشیده همراه ساخته و صدای کشیده دارای صفت استعلا و امتداد است و این حروف با مفهوم امانت‌داری در شخصیت شعیب هماهنگی دارد و اوج این صفت را می‌رساند. از طرفی واژه «امین» بر وزن فعلیل آمده و «این صیغه دلالت بر ثبوت وصف در کلمه» است (سامرایی، ۱۴۲۸: ۵۰) که صفت «امین» بر وزن فعلیل ثبوت این صفت را در شخصیت شعیب برای مخاطب به نمایش می‌گذارد و «إِنِّي و لَ و تشدید» نیز این مفهوم را تقویت می‌کند.

۳-۲-۲. اندیشه دینی

در آیه ۱۷۷ عبارت «أَلَّا تَتَّقُونَ» و ۱۷۹ «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا» تصویرگر اندیشه توحیدی و یگانه‌پرستی است که فلسفه برانگیخته شدن تمام انبیاء همین مسئله دعوت مردم به یکتاپرستی و اطاعت از خداوند است.



نمودار ۲-۶. نمودار تحلیل آماری آیات تصویری مربوط به گفتگوی شعیب با مخاطبان

نتیجه‌گیری

تصویر هنری قرآن، دارای ارزش هنری، ادبی، معرفتی و احساسی خاصی است که می‌تواند واقعیت‌ها و مسائل ذهنی را به صورت محسوس به مخاطبان ارائه کند. هدف تصویر در قرآن، ساختن انسان از حیث فکری، احساسی و رفتار است. در این پژوهش با تکیه بر نظریه سید قطب به عنوان اولین نظریه پرداز هنری میرهن شد که تصویر هنری عنصری اساسی از عناصر بیان است و وظیفه تصویرپردازی‌های قرآن، تنها به تصویر کشیدن محسوسات نیست؛ بلکه هدف، محقق شدن غرض دینی از ورای تصویر حسی است و خداوند با به کارگیری عناصر تصویری از نقل مستقیم هدف رهاشده و با ریختن آن در قالبی دیگر، شیوه هدایت به زبان و بیان غیرمستقیم را انتخاب کرده است.

در بررسی آیات، این نتایج قابل استنتاج است: با بررسی تصاویر قرآنی در این آیات، درمی‌یابیم که منظره‌هایی که قرآن برای مخاطب ترسیم کرده سرشار از حرکت، صدا، احساس و طبیعت جاندار و ... هستند و همه این عناصر به کمک هم آمده‌اند تا صحنه‌ای زنده و پویا که حیات و زندگی در آن موج می‌زند را رقم زنند. توجه به اهمیت واژگان؛ زیرا واژگان، علاوه بر دلالت معنایی، گاه با موسیقی خویش و گاه با معنای خود و گاه هر دو با هم در تصویرگری، ایفای نقش می‌کنند. علاوه بر رساندن مفهوم، بار عاطفی و روانی لازم را نیز به همراه دارند. قرآن کریم غالباً پس از نمایش تصویر، به ابراز اندیشه اساسی دینی که همان محتوا و هدف موردنظر از بیان مثال است، برمی‌گردد و معانی آیات متناسب و هماهنگ با موضوع و هدف تصویر است. در این آیات، قرآن از هر دو نوع تصویرگری یعنی تصویر بیرونی که ظاهر پدیده‌ها و تصویر درونی که به حالات روحی و عاطفی می‌پردازد، استفاده کرده است؛ و با برانگیختن حس و خیال آدمی، سعی دارد مفاهیم والای قرآنی با شیوه‌های مختلف از طریق عقل، قوه تخیل، احساس و عاطفه به ژرفای روان آدمی نفوذ نماید.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mandegar Keykhosravi



<https://orcid.org/0000-0002-9435-4242>

Hassan Majidi



<https://orcid.org/0000-0003-1033-7259>

منابع

قرآن کریم

- ابوزید، احمد، (۱۹۹۲). *التناسب الیانی فی القرآن*. مغرب، دانشکده ادبیات و علوم اسلامی، رباط.
- آذر نوش، آذر تاش، (۱۳۷۹). *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*، تهران: نشر نی.
- البطل، علی، (۱۹۸۱). *الصورة الفنية فی الشعر العربی فی آخر القرن الثانی*، آندلس: دار الآندلس.
- حسن، عباس، (۱۹۹۸). *خصائص الحروف العربیة و معانیها*، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- حسینی، سید محمد، (۱۳۸۲). *ریخت شناسی قصه های قرآن*، تهران: ققنوس. ۱۳۸۰
- حری، ابوالفضل. (۱۳۸۸). *مؤلفه های زمان و مکان روایی در قصص قرآنی*، ادب پژوهی، ش ۸ صص ۱۲۵-۱۴۱.
- خزعلی، انسیه، بهبهانی زاده، کوثر، (۱۳۹۷). *حرکت در تصویرپردازی داستان های پیامبران (مطالعه موردی سوره هود)*. فصلنامه علمی پژوهشی *تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)*، سال ۱۵، شماره ۴، صص ۱۰۳-۱۳۰.
- دل افکار، علیرضا، صانعی پور، محمد حسن، ارجمندفر، مهدی، (۱۳۹۳). *مؤلفه های کاربردشناختی انذار در داستان حضرت شعیب (ع)*. *دو فصلنامه علمی پژوهشی تفسیر و زبان قرآن*، ش ۵، صص ۶۱-۱۰۴.
- سید قطب، ابن ابراهیم شاذلی، (۱۴۱۳). *التصویر الفنی فی القرآن*، قاهره: دار الشروق.
- الصباغ، محمد، (۱۹۸۳). *التصویر الفنی فی الحدیث النبوی*، بیروت: المکتب الاسلامی.
- عباس، حسان، (۱۹۹۸). *خصائص الحروف و معانیها*، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
- عبدالعال، محمد قطب، (۲۰۰۶). *من جمالیات التصویر فی القرآن الکریم*، القاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- فاضلی، محمد، (۱۳۶۵). *دراسه و نقد فی مسائل بلاغیه هامه*، تهران: موسسه تحقیقات فرهنگی.
- قاضی زاده، کاظم، (۱۳۸۹). *سید قطب و نظریه تصویر هنری در قرآن*. *مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال هفتم، ش ۱۴، صص ۴۴-۸۶.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴). *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۸۷). *کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم (مترجم سید حسین سیدی)*،

References

The Holy Quran

- Abuzaid, Ahmed., (1992). *Al-Tawfar al-Bayani in the Qur'an*. Maghrib, Faculty of Literature and Islamic Sciences, Robat. [in Arabic]
- Azar Noush, Azar Tash., (2000). *Contemporary Arabic-Persian culture*, Tehran: Ney Publishing. [in Persian]
- Al-Batal, Ali., (1981). *The artistic image in Arabic poetry at the end of the second century*, Andalusia: Dar al-Andalus. [in Arabic]
- Al-Sabbagh, Mohammad., (1983). *Al-Maqq al-Fani in al-Hadith al-Nabawi*, Beirut: Al-Maktab al-Islami. [in Arabic]
- Abbas, Hassan., (1998). *Characteristics of letters and meanings*, Damascus: Ittihad al-Kitab al-Arab pamphlets. [in Arabic]
- Abdul Aal, Mohammad Qutb., (2006). *I Jamaliat al-Thajm fi al-Qur'an al-Karim*, Cairo: Al-Hiyeh al-Masriyyah al-Ama for the book. [in Arabic]
- Del Afkar, Alireza, Saneipour, Mohammad Hassan, Arjamandfar, Mahdi, (2014). The pragmatic components of warning in the story of Hazrat Shoaib (AS). *Two quarterly scientific research journals on Qur'an interpretation and language*, Vol. 5, pp. 61-104. [in Persian]
- Fazeli, Mohammad., (1986). *Study and Criticism of Hama's Rhetorical Issues*, Tehran: Cultural Research Institute. [in Persian]
- Ghazizadeh, Kazem., (2010). Seyed Qutb and the theory of artistic image in the Quran. *Quran and Hadith Research Journal*, 7th year, vol. 14, pp. 44-86. [in Persian]
- Hassan, Abbas., (1998). *Characteristics of Arabic letters and their meanings*, Damascus: Ittihad al-Kitab al-Arab. [in Arabic]
- Hosseini, Seyyed Mohammad., (2003). *Morphology of Qur'anic stories*, Tehran: Qoqnoos. [in Persian]
- Hori, Abulfazl. (2009). *Components of Narrative Time and Place in Qur'anic Stories*, Adab Pajuhi, Vol. 8, pp. 125-141. [in Persian]
- Khazali, Ensieh., Behbahanizadeh, Kowsar., (2017). Movement in depicting the stories of prophets (case study of Surah Hud). *Al-Zahra University's Scientific Research Quarterly*, Year 15, Number 4, pp. 103-130.
- Qera'ati, Mohsen., (2013). *Tafsir Noor*, Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an. [in Persian]
- Qomi, Ali bin Ibrahim., (1983). *Tafsir al-Qami*, Qom: Darul Ketab.
- Qomi, Ali bin Ibrahim., (2008). *The function of artistic image in the Holy Quran* (translated by Seyyed Hossein Seidi), Tehran: Sokhan

تصویرپردازی در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در...: کیخسروی و مجیدی | ۱۲۱

Publications. [in Persian]

Sayyid Qutb, Ibn Ibrahim Shazli., (1992). *Al-Majd al-Fani in the Qur'an*, .
Cairo: Dar al-Sharooq. [in Arabic]

استناد به این مقاله: کیخسروی، ماندگار، مجیدی، حسن. (۱۴۰۰). تصویرپردازی در گفتگوهای حضرت شعیب(ع) با مخاطبان در قرآن بر اساس نظریه سید قطب، دو فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۲(۴۳)، ۹۷-۱۲۱.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.65071.1807



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.